



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۱۰/۱۳



رسول پویان

طبع غزلساز

دلی دارم که مست واژه و معنا و گفتار است
خمار ساز و آواز و انیس بیت و اشعار است

کند طبع غزل سازی مرا سرگرم رویاها
ز شوروشوق رقص و ازگان سرشار سرشار است

نیایی در جهان از شعر فارسی شهدی شیرین تر
که چون لعل هراتی دلپذیر و ناز و آبدار است

کجا شد نغمه مزگان و دعوتنامه دیدار
دل هجرانکشم در انتظار قول و اقرار است

دل از لطف خوش خوبان شادی و طرب جوید
اگرچه از جفا و جور غداران افکار است

جهان را جنگ و خشم و کینه ویران میکند آخر
ازیرا دل ز خوی فتنه جویان سخت بیزار است

ندارد قتل و غارت در دل انسانیت جایی
فقط ویرانی و کشتار انسان حرص خونخوار است

ز مرگ کودکان بیپناه خوشحال میگردند
مگر آیین و رسم و مسلک شان قتل و آزار است

به جای نرگس و ریحان و سنبل بمب می ریزند
که معمار جهنم دشمن فردوس و گلزار است

به دنیایی که قتل و غارت ظالم شود تمجید
دگر نه بحثی از قانون و عدل و حق و معیار است

ستمگر حامی ظالم شده در وحشت و کشتار
دل آزردۀ مظلوم با آزادگان یار است

ستم بر دیده انسانیت هر دم زند نیشتر
ز بینایی چه میگوی که در چشم بشرخار است

ز بنگاه خیر در ذهن انسان زهر میباشند
شده عقل بشر معلول و سر در بند افسار است

د پانو شمیره: له 1 تر 2

همان قومی که خود را برتر از کل بشیر گوید
هماره پیشتاز فتنه و تهدید و پیکار است

شراب غول امریکا شده از خون مظلومان
ابر مستی که در فکر صعود سود بازار است

نمیترسد مگر از آه طفل و چوب یزدانی
که توفانی تر از بمب اتم و موج ابحار است

11/10/2024